**نوافل روز جمعه**

**جلسه 103**

**یک‌‌شنبه - 17/02/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به نوافل روز جمعه هست.

نوافل روز جمعه مشهور گفته‌اند که جایز هست تقدیمش بر زوال. و این مطلب از روایات مختلفی استفاده شده.

صاحب عروه هم در مسئله سه فرموده که نافلة یوم الجمعة عشرون رکعة و الاولی تفریقها بان یأتی ستا عند انبساط الشمس. شش رکعت را در هنگامی بخواند که اول روز است که خورشید منبسط می‌‌شود بر آسمان، ‌یعنی ابتداء طلوع آفتاب که خورشید بالای آسمان منبسط می‌‌شود، و ستا عند ارتفاعها، در هنگامی که خورشید بالا می‌آید شش رکعت بخواند، و ستا قبل الزوال، ‌نزدیکی زوال شمس هم شش رکعت بخواند، می‌‌شود هیجده رکعت، و رکعتین عند الزوال، دو رکعت هم عند الزوال بخواند، مجموعا می‌‌شود بیست رکعت. ستا قبل الزوال یعنی نزدیکی‌های اذان ظهر شش رکعت آخر را می‌‌خواند و رکعتین عند الزوال دیگه همان هنگام خود زوال دو رکعت را می‌‌خواند.

دلیل‌شان هم برخی از روایات است. مثل:

صحیحه بزنطی: قال سألت اباالحسن علیه السلام عن التطوع یوم الجمعة قال ست رکعات فی صدر النهار و ست رکعات قبل الزوال و رکعتان اذا زالت، این شش رکعت در صدر نهار هست، شش رکعت قبل از زوال هست، رکعتان اذا زالت، این مجموعا می‌‌شود چهارده رکعت.

در این روایت دارد: و ست رکعات بعد الجمعة. اصل جواز تقدیم نوافل روز جمعه بر زوال، از این روایت استفاده شده. ولی این کیفیتی که صاحب عروه می‌‌گوید از این روایت استفاده نمی‌شود. چون بعد از این: و رکعتان اذا زالت، دارد: و ست رکعات بعد الجمعة، بعد از نماز جمعه شش رکعت بخواند، ‌فذلک عشرون رکعة. اصل جواز تقدیم نوافل روز جمعه و لو بخشی از آن بر زوال از این صحیحه بزنطی استفاده شده اما این کیفیتی که در عروه مطرح کرده، این از برخی از روایات دیگر که متعرض خواهیم شد، ممکن است استفاده بشود. ما فعلا مجموع روایات را که قدرمشترک‌شان این است که نوافل روز جمعه را می‌‌شود قبل از زوال خواند و لو فی الجملة، داریم مطرح می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] با جمع بین روایات حمل شده بر جواز یا برخی گفته‌اند افضل این هست. و الا مشروعیتش مختص به این کیفیت نیست. چرا حمل شده بر جواز؟ بخاطر صحیحه علی بن یقطین که می‌‌گوید: سألت اباالحسن علیه السلام عن النافلة التی تصلی یوم الجمعة وقت الفریضة قبل الجمعة افضل او بعدها؟ قال قبل الصلاة. نافله‌ای که در روز جمعه در وقت فریضه خوانده می‌‌شود، این را قبل از نماز جمعه بخوانیم افضل است یا بعد از نماز جمعه؟ حضرت می‌‌فرماید قبل از نماز جمعه بخوانید. اما تعبیر این است که النافلة التی تصلی یوم الجمعة وقت الفریضة. پس خواندن نافله در روز جمعه در وقت فریضه مشروع است و قبل از وقت فریضه یعنی قبل از زوال که روایات می‌‌گفت نافله روز جمعه را بخوانید حمل می‌‌شود بر رخصت. ... حالا روایات را کلا بخوانیم.

روایت سوم در این باب صحیحه سعد بن سعد الاشعری هست عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال سألته عن الصلاة یوم الجمعة کم رکعة هی قبل الزوال؟ قال ست رکعات بکرة و ست بعد ذلک اثنی‌عشر رکعة و ست رکعات بعد ذلک ثمانی عشر رکعة و رکعتان بعد الزوال فهذه عشرون رکعة و رکعتان بعد العصر فهذه ثنتان و عشرون رکعة.

صحیحه سعد بن سعد اشعری کیفیت و حتی عدد نوافل روز جمعه را جور دیگری بیان کرده. در صحیحه بزنطی گفت نوافل روز جمعه بیست رکعت است و کیفیتش را هم که گفت، گفت شش رکعت در اول روز، شش رکعت قبل از زوال، دو رکعت هنگام زوال، شش رکعت بعد از نماز جمعه. صحیحه بزنطی این‌جور گفت. ولی صحیحه سعد بن سعد اشعری می‌‌گوید بیست و دو رکعت است نافله روز جمعه. شش رکعت اول روز و شش رکعت بعد از آن و شش رکعت دیگر بعد از آن، ‌اما تعیین نکرده بعد از آن، کی؟ ست رکعات بکرة و ست بعد ذلک اثناعشر رکعة‌ و ست رکعات بعد ذلک ثمانی‌عشر رکعة‌ و رکعتان بعد الزوال فهذه عشرون رکعة و رکعتان بعد العصر فهذه ثنتان و عشرون رکعة.

این هم کیفیتش با آن کیفیتی که صاحب عروه گفت مطابقت ندارد. ولی اصل این‌که نافله روز جمعه قبل از زوال خوانده می‌‌شود فی الجملة، از این روایت هم استفاده می‌‌شود.

روایت چهارم صحیحه سعید الاعرج یا سعد اعرج: قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن صلاة النافلة یوم الجمعة فقال ست عشرة رکعة‌ قبل العصر، شانزده رکعت قبل از عصر و کان علی علیه السلام یقول ما زاد فهو خیر و قال ان شاء رجل ان یجعل منها ست رکعات فی صدر النهار‌، شش رکعت را در اول روز قرار بدهد و ست رکعات نصف النهار، شش رکعت را موقع زوال شمس، نصف النهار بخواند‌، و یصلی الظهر و یصلی منها اربعة، بعدش هم چهار رکعت بخواند، ‌ثم یصلی العصر. مجموعا می‌‌شود شانزده رکعت.

خب این هم نه با عددی که صاحب عروه گفت جور می‌آید و نه با کیفیتی که صاحب عروه گفت.

[سؤال: ... جواب:] ما زاد فهو خیر، این دلیل می‌‌شود شما تعیین کنید ست رکعات، ‌اینی که صاحب عروه گفته این است دیگه، ست رکعات عند انبساط الشمس و ستا عند ارتفاعها و ستا قبل الزوال و رکعتین عند الزوال، این از آن استفاده می‌‌شود؟ ... و ما زاد فهو خیر پس چرا بگویید بیست رکعت؟ ما زاد فهو خیر بگویید چهل رکعت. ... آن روایت که می‌‌گفت بیست و دو رکعت. آن روایت که می‌‌گفت اثنتا و عشرون رکعة.

پس این فرمایش صاحب عروه با هیچکدام از این روایات از نظر کیفیت سازگار نیست. بله به لحاظ عدد با صحیحه بزنطی سازگار است. به لحاظ عدد. باز به لحاظ کیفیت با آن سازگاری ندارد.

[سؤال: ... جواب:] آخه مستحبات، دیگه هرج و مرج، معنا ندارد هر چی دل‌مان خواست بگوییم.

موثقه عمر بن حنظه، خب موسی بن بکر عن زراره عن عمر بن حنظه. ما بخاطر موسی بن بکر می‌‌گوییم موثقه است. یک مطلبی عرض کنم چون مرحوم آقای خوئی یک اشتباهی پیش آمده و این اشتباه را تکرار می‌‌کنند، این را بد نیست عرض کنیم. به یک عبارتی در تهذیب استناد کرده که کانّه کتاب موسی بن بکر طبق شهادت صفوان مورد اتفاق اصحاب است. چون در روایت این‌جور دارد: حسن بن محمد بن سماعة می‌‌گوید دفع الیّ صفوان کتابا لموسی بن بکر فقال لی هذا سماعی من موسی بن بکر و قرأته علیه. حسن بن محمد بن سماعة می‌‌گوید صفوان کتاب موسی بن بکر را به من داد، ‌گفت من از خود موسی بن بکر این کتاب را شنیدم و بر او خواندم. حالا و قد قرأته ممکن است به این معنا باشد که ابن سماعه می‌‌گوید و قرأته علی صفوان. یعنی موسی بن بکر کتابی داشت، صفوان به ابن سماعه داد، گفت من خودم شنیدم این را از موسی بن بکر، ‌ابن سماعه هم می‌‌گوید و قرأته علیه، ‌من خواندم بر صفوان این کتاب را. فاذا فیه، ‌موسی بن بکر عن علی بن السعید عن زرارة قال هذا مما لیس فیه اختلاف عند اصحابنا. آقای خوئی فرمودند این قال یعنی قال صفوان، قال صفوان هذا مما لیس فیه اختلاف عند اصحابنا، یعنی این کتاب موسی بن بکر مورد اختلاف نزد اصحاب ما نیست.

انصافا این برداشت، برداشت ناتمامی است. این قال یعنی زراره گفت:‌ هذا مما لیس فیه اختلاف عند اصحابنا عن ابی عبدالله و عن ابی جعفر علیهما السلام انه سئل عن امرأة، مورد اتفاق اصحاب است، زراره گفته است، ‌مورد اتفاق اصحاب است این حدیث از امام صادق و امام باقر علیهما السلام راجع به ارث. شاهد بر این عرض ما این است که مشارالیه "لااختلاف" به این حدیث می‌‌خورد نه به کتاب موسی بن بکر. قال به معنای قال صفوان نیست که آقای خوئی معنا می‌‌کند، قال صفوان هذا‌ ای کتاب موسی بن بکر مما لیس فیه اختلاف بین اصحابنا. نخیر. قال زرارة هذا مما لااختلاف فیه بین اصحابنا عن ابی عبدالله و ابی جعفر علیهما السلام انه سئل عن امرأة.

شاهد بر این عرض ما این است که یک روایت دیگر است، تهذیب نقل می‌‌کند در جلد 9 صفحه 248: عن موسی بن بکر عن علی بن سعید قلت لزرارة ان بکیر حدثّنی عن ابی جعفر علیه السلام ان السهام لاتعول قال هذا مما لیس فیه اختلاف بین اصحابنا عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام. آنجا هم زراره این تعبیر را کرد. گفت این حدیثی را که می‌‌گویم هیچ اختلافی نیست که این حدیث امام باقر و امام صادق علیهما السلام است.

[سؤال: ... جواب:] در این مورد دوم بله. مورد همین‌طور است. مورد دوم اول حدیث است بعد این کلام. مورد اول که استشهاد آقای خوئی به او بود اول هذا مما لیس فیه اختلاف عند اصحابنا است، بعد دارد عن ابی عبدالله و عن ابی جعفر علیهما السلام انه سئل عن امرأة.

بله ایشان می‌‌گویند موسی بن بکر از حیث ورود در تفسیر قمی هم قابل توثیق است. که ما او را هم قبول نداریم. و به نظر ما موسی بن بکر چون از مشایخ صفوان است و شیخ طوسی گفته لایروی و لایرسل الا عن ثقة قابل توثیق هست. و لذا ما به این خاطر موسی بن بکر را قبول می‌‌کنیم.

موسی بن بکر عن زرارة عن عمر بن حنظلة عن ابی عبدالله علیه السلام قال صلاة التطوع یوم الجمعة ان شئت من اول النهار و ما ترید ان تصلیه یوم الجمعة فان شئت عجلته فصلیته من اول النهار ‌ای النهار شئت قبل ان تزول الشمس.

این روایت که می‌‌گوید کل نوافل روز جمعه را می‌‌توانی قبل از زوال بخوانی؛‌یعنی کل آن بیست و دو رکعت را. این هم موافق با کلام صاحب عروه نیست. چون این روایت می‌‌گوید ان شئت عجلته فصلیته من اول النهار.

خود لفظ عجلته ممکن است ظهور داشته باشد در این‌که افضل تاخیر است. عجل یعنی تعجل بکنید، ‌تقدیم کنید بر وقت فضیلت. ان شئت عجلته. و طبیعی است که تعبیر تعجیل ظهور دارد در این‌که از وقت خودش جلوتر خواندن. یعنی از وقت فضیلت جلوتر خواندن اما دلیل بر مشروعیت تعجیل هست.

[سؤال: ... جواب:] ان شئت عجلته فصلیته من اول النهار‌ ای النهار شئت قبل ان تزول الشمس. تعبیر ان شئت عجلته، اگر خواستی عجلته، این‌که افضل باشد تقدیم بر زوال، خب این قطعا با این ان شئت عجلته نمی‌سازد. و اما این‌که افضل اتیان به نوافل جمعه است در وقت مقرر خودش، ممکن است کسی به همین ان شئت عجلته تمسک کند یا به همان صحیحه علی بن یقطین که می‌‌گفت قبل الجمعة افضل، خب این می‌‌گوید نوافل وقت فریضه را بهتر این است که قبل از نماز جمعه بخوانی. خب ظاهرش این است که توقیت کرد نوافل را به نوافل وقت الفریضة.

این راجع به این روایات است. که ما دلیل واضحی بر این کیفیتی که صاحب عروه ذکر کرده، پیدا نکردیم. الا این‌که مشهور این را قائل شدند و فتوی مشهور موضوع تسامح در ادله سنن را بخواهد درست کند، البته این بحثی است در اصول مطرح شده. ما بحث کردیم: آیا فتوی مشهور می‌‌تواند من بلغ را درست کند یا نه، بعید ندانستیم اخبار تسامح در ادله سنن شامل فتوی فقیه فضلا عن فتوی المشهور بشود. ولی اخبار تسامح در ادله سنن منشأ فتوی به استحباب نمی‌تواند بشود.

این راجع به این بحث.

[سؤال: ... جواب:] ما این روایاتی که دیدیم در آن، ‌مؤیدی برای فتوی مشهور پیدا نکردیم. روایات معتبره این‌ها بود که ما خواندیم.

[سؤال: ... جواب:] صحیحه سعد بن سعد با آن کیفیتی که صاحب عروه گفت فرق داشت. می‌‌گفت که ست رکعات بکرة ست بعد ذلک اثنتی عشرة رکعة، نگفت کی، ست رکعات بعد ذلک ثمانی عشر رکعة، آن هم نگفت کی، رکعتان بعد الزوال، فهذه عشرون رکعة و رکعتان بعد العصر فهذه ثنتان و عشرون رکعة، ‌عددش شد بیست و دو نه بیست، کیفیتش هم دقیقا همانی نیست که صاحب عروه می‌‌گوید. ... رکعتان بعد العصر را بله، آن رکعتان بعد العصر را در مصباح المتهجد نقل نکرده. و لکن ظاهرا این سقط شده و الا چه جوری بیست و دو رکعت رکعت حساب می‌‌کنند. بیست و دو رکعت چه جوری حساب می‌‌شود؟ این ظاهرا سقط شده. بله، در مصباح المتهجد نیست. مصباح المتهجد "و رکعتان بعد العصر" را ندارد؛ درست است. ولی باز کافی نیست. چون تعیین نکرد و ست رکعات عند ارتفاع النهار، این را صاحب عروه از کجا در آورده؟ ... کدام روایت؟ در این روایت دارد: ست رکعات بکرة و ست رکعات بعد ذلک و ست رکعات بعد ذلک و رکعتان عند الزوال. ... دیگه مشهور این‌جور گفتند. از این بحث بگذریم.

[سؤال: ... جواب:] راجع به مصباح المتهجد ندارد که رکعتان بعد العصر فهذه ثنتان و عشرون رکعة، بسیار خوب. این صحیحه سعد بن سعد اشعری در مصباح المتهجد ناقص نقل شده. نفی زیاده که نکرده مصباح المتهجد. نگفته که روایت همین مقدار است و بیش از این نیست. خب در نقل‌های معتبر دیگر بعد از "و رکعتان بعد الزوال فهذه عشرون رکعة" دارد و رکعتان بعد العصر فهذه ثنتان و عشرون رکعة. این جمله اخیره را در مصباح المتهجد ذکر نکرده، عدم الذکر به معنای نفی زیاده نیست. تعارض نمی‌کند با آن نقل‌هایی که این زیاده را دارد. تعارض در صورتی است که ظاهر نقل این راوی این باشد که هر چه هست نقل می‌‌کنم. نه، شاید در مصباح المتهجد غرضش تعلق گرفته بود همین مقدار را نقل کند نه بیشتر را، نه این‌که بگوید بیشتر نیست. و لذا نقل‌های دیگر معتبر که داریم که روایت را کامل نقل کرده، ‌حجت بلامعارض است. علاوه بر این‌که فرمایش صاحب عروه در آن نیست که و ست رکعات عند ارتفاع الشمس و ست رکعات قبل الزوال. اولین ست رکعات دارد: بکرة، اما ست رکعات دوم، آن را صاحب عروه گفت عند ارتفاع الشمس، در روایت نداریم. ست رکعات سوم را هم گفت قبل الزوال. آن را هم در روایت نداریم به این شکل.

عبارت مصباح المتهجد این است: ثم تصلی نوافل یوم الجمعة علی ما وردت به الروایة عن الرضا علیه السلام انه قال: تصلی ست رکعات بکرة و ست رکعات بعدها اثنتاعشرة و ست رکعات بعد ذلک ثمان عشرة و رکعتین عند الزوال. ست رکعات دوم را چرا می‌‌گویید عند ارتفاع الشمس، این را از کجا می‌‌گویید؟ صاحب عروه این‌جوری گفت.

[سؤال: ... جواب:] اصل مشروعیت تقدیم نوافل روز جمعه بر زوال، مسلم است، از روایت هم استفاده شد. اما کیفیتش ثابت نیست و لذا نمی‌شود به این کیفیت فتوی داد. و مهم این است که اصل مشروعیتش را ما توانستیم ثابت کنیم.

اما مسئله بعد:

مسئله بعد راجع به نافله مغرب هست. مشهور گفته‌اند که نافله مغرب تا ذهاب حمره مشرقیه است.

[سؤال: ... جواب:] مرحوم آقای خوئی، این مطلبی که ایشان اشاره می‌‌کنند، ‌عرض کنم، فراموش کردیم بگوییم، وارد بحث بعد بشویم. مرحوم آقای خوئی فرمودند این‌که در روایت دارد‌: و رکعتان عند الزوال، یعنی عند الشک فی الزوال و الا اگر احراز بکنید زوال را، این می‌‌شود تطوع فی وقت الفریضة و روایت می‌‌گوید که بروید نماز فریضه را بخوانید. این‌که در روایت دیگر آمده است که رکعتان عند الزوال، یعنی آن رکعتانی که در هنگامی می‌‌خوانید که فکر می‌‌کنید شاید زوال شمس شده. اما اگر علم پیدا کنید به زوال شمس نخیر، فریضه را مقدم کنید. چون صحیحه عبدالله بن سنان می‌‌گوید که اذا زالت الشمس یوم الجمعة فإبدأ بالمکتوبة، ‌صحیحه حریز هم می‌‌گوید: اما انا اذا زالت الشمس یوم الجمعة بدأت بالفریضة و اخرت الرکعتین اذا لم اکن صلیتهما. این روایت می‌‌گوید اخرت الرکعتین اذا لم اکن صلیتهما، پس معلوم می‌‌شود آن رکعتان قبل الزوال، یعنی آن وقتی که توقع این است که زوال شمس بشود ولی هنوز یقین به زوال پیدا نکردیم.

انصافا این مطلب خلاف ظاهر است. صحیحه بزنطی [سعد بن سعد] گفت رکعتان بعد الزوال، ‌چه جور می‌‌خواهیم توجیه کنیم؟! رکعتان بعد الزوال قابل توجیه نیست. آنی که قابل توجیه است رکعتان عند الزوال، خب عند را به معنای قریب بگیرید. اما رکعتان بعد الزوال اصلا ظهور دارد در این‌که بعد از زوال این دو رکعت را بخوانید. صحیحه سعد بن سعد اشعری [بزنطی] هم داشت: و رکعتان اذا زالت. این را حمل کنیم بر این‌که علم به زوال نداشته باشیم، این خلاف ظاهر است.

و لذا جمع عرفی اقتضاء می‌‌کند بگوییم رکعتان بعد الزوال رخصت است اما ائمه فرمودند افضل تقدیم فریضه است یا اگر کسی بگوید این جمع، ‌عرفی نیست، فوقش می‌‌شود تعارض بین روایات. یا باید این روایت رکعتان بعد الزوال را یا رکعتان اذا زالت را حمل کنیم بر رخصت و آن‌که امام فرمود من مقدم می‌‌کنم فریضه را، قرینه بر این حمل است و یا اگر کسی بگوید این جمع، ‌عرفی نیست فوقش می‌‌شود تعارض بین روایات. این وجهی که آقای خوئی فرمودند وجه عرفی نیست. بله، منافات ندارد با آن صحیحه ابن یقطین که خواندیم: النافلة التی تصلی یوم الجمعة وقت الفریضة قبل الجمعة افضل او بعدها؟ قال قبل الصلاة، او قابل حمل است. من که راجع به او بحث نمی‌کنم. او قابل حمل است بر این‌که قبل از این‌که زوال بشود بخوان! مقارن با دخول وقت فریضه، یعنی حوالی اذان ظهر آن نماز را بخوان تا اول زوال نماز فریضه را بخوانی. من راجع به صحیحه علی بن یقطین اشکال نمی‌کنم، بله، آن قابل حمل است بر این‌که تصلی یوم الجمعة وقت الفریضة یعنی قریب به وقت فریضه. این قابل حمل است. به قرینه این روایاتی که می‌‌گوید تا اذان ظهر بشود من فریضه را مقدم می‌‌کنم بر نافله اما من عرضم این است که با آن روایت رکعتان بعد الزوال چه کار می‌‌کند آقای خوئی که در صحیحه بزنطی [سعد بن سعد] بود یا با صحیحه سعد بن سعد [بزنطی] چه کار می‌‌کند که داشت: رکعتان اذا زالت. بله، صحیحه علی بن یقطین را اگر ایشان مد نظر داشت که النافلة التی تصلی یوم الجمعة وقت الفریضة یعنی حمل کنی بر قریب به وقت فریضه، بله، آن اشکالی نداشت. اما این ملاحظه جمیع روایات در آن نشده، ‌در این جمعی که آقای خوئی کردند.

[سؤال: ... جواب:] تعبیر مرحوم آقای خوئی این است، می‌‌فرمایند که به قرینه این روایاتی که داشت:‌ اذا زالت الشمس فإبدأ بالمکتوبة ما باید بگوییم این رکعتان عند الزوال، ‌یعنی قریب به زوال، قبل از علم به زوال، آنی که آقای خوئی داشتند این است که ما معتقدیم اگر نظر دارند به صحیحه علی بن یقطین اشکال ندارد. صحیحه علی بن یقطین نافله فی وقت الفریضة بگوییم یعنی نافله قریب به وقت فریضه اما صحیحه بزنطی یا صحیحه سعد بن سعد قابل توجیه نیست. آنها را یا باید حمل کنیم بر رخصت یا اگر آقای خوئی می‌‌گویند این حمل، ‌عرفی نیست فوقش می‌‌شود متعارض و بعد از تعارض و تساقط باید رجوع کنیم به اطلاقات. و لذا مشروع می‌‌شود این نافله، چه بعد از زوال چه قبل از زوال.

راجع به نافله مغرب مشهور گفتند بعد از ذهاب حمره مغربیه دیگه نافله مغرب وقتش می‌‌گذرد و باید نماز عشاء بخوانیم.

اما مرحوم آقای خوئی اشکال کرده. فرموده نخیر، ما هیچ دلیلی بر این‌که ذهاب حمره مغربیه موجب این بشود که دیگه نافله مغرب فوت بشود، نداریم. همان‌طور که شهید در ذکری و صاحب مدارک و کاشف اللثام گفتند نافله مغرب تا نیمه شب ادامه دارد وقتش.

در جواهر گفته نخیر؛ حق با مشهور است. نافله مغرب تا ذهاب حمره مغربیه بیشتر وقت ندارد. دلیل‌هایی ذکر کرده:

دلیل اول: گفته که پیغمبر و ائمه علیهم السلام نافله مغرب را بعد از ذهاب حمره مغربیه نمی‌خواندند.

جواب داده شده که فوقش این دلیل بر این است که افضل است نافله مغرب را قبل از ذهاب حمره مغربیه بخوانیم. دلیل بر این نیست که مشروع نیست خواندن بعد از ذهاب حمره مغربیه.

دلیل دومی که ایشان ذکر می‌‌کند انصراف را ادعا می‌‌کند. می‌‌گوید انصراف دارد اتیان به نافله مغرب که بعد از نماز مغرب باشد نه با فاصله زیاد.

جواب این است: چه انصرافی دارد. چه بسا نافله مغرب را حوالی سقوط حمره مغربیه می‌‌خواند، ‌نماز مغربش آن موقع است، نافله مغربش را بعد از او می‌‌خواند. وانگهی مگه موالات معتبر است بین نافله مغرب و مغرب؟ این همه شارع گفته نافله مغرب را ترک نکن فی سفر و لاحضر، خب چرا اطلاق نداشته باشد؟ و لذا این دلیل هم تمام نیست.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله تا فردا.